

رویکردی بر مدیریت استعداد

در برنامه‌درسی ملی حوزه هنر، با تمرکز بر سند تحول بنیادین

سعیده معصومی

دانشجوی دکتری فلسفه هنر

حمیده معصومی

دانش‌آموخته رشته گرافیک

چکیده

امروزه سازمان‌ها به خوبی دریافته‌اند که به منظور موفقیت در اقتصاد پیچیده جهانی و نیز ماندگاری در محیط کسب و کار نیاز به داشتن بهترین استعدادها و نگهداشت آن‌ها دارند. همچنین سازمان‌ها دریافته‌اند که استعدادها منابعی بحرانی هستند که برای دستیابی به بهترین نتیجه‌ها از آن‌ها نیازمند مدیریت می‌باشند. تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه کشور و ابزاری جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران، مانند احیای تمدن اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی و آزاده و اخلاقی و تعلیم و تربیتی است که تحقق‌بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی برای تحقق حکومت جهانی انسان کامل را پیدا خواهد کرد و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعدادها بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آن‌ها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت تبیین شود. ساخت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران در برنامه درسی ملی عبارت است از تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری؛ تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ تعلیم و تربیت علمی و فناورانه.

مقدمه

مؤسسه CIPD^۱ استعداد را ترکیبی پیچیده از مهارت‌ها، دانش، توانایی‌های ادراکی و پتانسیل بالا می‌داند و مدیریت استعداد را شناخت و تمرکز بر بخشی از نیروی انسانی سازمان با پتانسیل بالا تعریف می‌کند (گای و دیگران، ۱۳۸۸، ۲۲). مدیریت استعداد بر این تمرکز دارد که افراد چگونه به سازمان وارد می‌شوند و رشد می‌کنند (اولریش و بروک بانک، ۱۳۵، ۱۳۸۸). مدیریت استعداد براساس استراتژی و اهداف کسب و کار تعیین می‌شود (کارت رایت، ۲۱، ۱۳۸۷). پرورش قابلیت‌ها و مدیریت استعدادهای بخش لاینفک راهبرد و چشم‌انداز سازمان‌های پیشروی امروز است.

مفهوم مدیریت استعداد

مدیریت استعداد، تسهیل و توسعه پیشرفت مسیر شغلی افراد بسیار با استعداد و ماهر در سازمان، با استفاده از دستورالعمل‌های تدوین شده، منابع، سیاست‌ها و فرایندها می‌باشد (گای و دیگران، ۱۳۸۸، ۳۷).

نویسندگان و محققان حوزه مدیریت منابع انسانی، لوئیس و هاگمن (۲۰۰۶) - براساس تعاریف موجود حوزه سه مفهوم پایه‌ای برای واژه مدیریت استعداد پیدا نمودند. در اولین مفهوم، مدیریت استعداد را مجموعه‌ای از وظایف منابع انسانی مانند استخدام، انتخاب، آموزش و توسعه تعریف کردند. از این منظر، آن‌ها استدلال می‌کنند که مدیریت استعداد ممکن است کمی فراتر از یک واژه مد روز یا حسن تعبیری از مدیریت منابع انسانی باشد. آن‌ها در متون مورد بررسی به این امر اشاره دارند که مدیریت استعداد یک روش سیستمی جهت اجرای وظایف مدیریت منابع انسانی است اما نه به نحو سنتی آن، بلکه با نگاهی گسترده‌تر و با عملکردی دقیق‌تر با استفاده از وسایل فناوری جدید مثل اینترنت و نرم‌افزارهای مربوطه و با هدف اجرا در کلیه سطوح قسمت‌های سازمان. مفهوم دوم لوئیس و هاگمن از مدیریت استعداد به‌طور خاص تمرکز بر پیش‌بینی یا مدل‌سازی فرایند منابع انسانی در حیطة سازمان براساس عواملی مانند مهارت‌های نیروی کار، عرضه و تقاضا و رشد و فرسایش نیروی کار دارد. از این

دیدگاه، مدیریت استعداد کم و بیش مترادف با منابع انسانی یا برنامه‌ریزی نیروی کار است. مفهوم سوم لوئیس و هاگمن متمرکز بر افراد با استعداد از لحاظ عملکرد و پتانسیل است که در جریان استفاده از نیروی کار در سازمان‌ها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند و سازمان در جذب آن‌ها کوشش بیشتری می‌نماید (گای و دیگران، ۱۳۸۸، ۲۳). همچنین می‌توان مدیریت استعداد را چنین تعریف نمود: کلیه فعالیت‌ها و فرایندهای مرتبط با پست‌های اصلی و کلیدی که منجر به مزیت رقابتی بادوام برای سازمان شده و نیز توسعه نیروی کار با پتانسیل بالا را سبب می‌شود (همان، ۲۴).

اسناد تحولی آموزش و پرورش

تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه کشور و ابزاری جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی و آزاده و اخلاقی و تعلیم و تربیتی است که تحقق‌بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. در پرتو چنین سرمایه‌ی انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی برای تحقق حکومت جهانی انسان کامل را پیدا خواهد کرد و در سایه آن ظرفیت و استعدادهای بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید.

تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به‌صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آن‌ها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود. تحول بنیادین

می‌توان مدیریت
استعداد را چنین
تعریف نمود:
کلیه فعالیت‌ها و
فرایندهای مرتبط با
پست‌های اصلی و
کلیدی که منجر به
مزیت رقابتی بادوام
برای سازمان شده
و نیز توسعه نیروی
کار با پتانسیل بالا را
سبب می‌شود



برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می‌آورد.

ساحت‌های تعلیم و تربیت

۶ ساحت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، عبارتند از: تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه (محمدیان، ۱۳۹۴، ۴)

در گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی مرتبط با بحث این پژوهش مطرح می‌گردد. ۶ روحیه کارآفرینی، کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی و هنری زمینه‌ساز کار مولد (همان، ۱۰) در هدف‌های عملیاتی هم این نکته قابل توجه است:

۶ با قدرشناسی و درک زیباشناسانه آفرینش الهی و مصنوعات هنرمندانه بشری، درک مفاهیم فرهنگی و میان‌فرهنگی و بهره‌گیری از قدرت تخیل، توانمندی‌های لازم در خلق آثار فرهنگی و هنری را به دست می‌آورند و برای حفظ و تعالی میراث فرهنگی، تمدنی و هنری در سطح ملی و جهانی براساس نظام معیار اسلامی می‌کوشند (هدف‌های کلان ۱، ۸، ۲، ۵، ۴) و راهکار اول: - طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی ملی راهکار براساس اسناد تحول راهبردی و بازتولید برنامه‌های درسی موجود با تأکید بر:

الف. متناسب‌سازی حجم و محتوی کتب درسی و ساعات و روزهای آموزشی با توانمندی‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموزان

در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی و الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین‌المللی است. در این سند، اصطلاحات به کار رفته به شرح ذیل تعریف شده‌اند:

نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

۶ نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان‌یافته که به‌عنوان مهم‌ترین عامل انتقال و بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را برعهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی برای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان (با تأکید بر وجوه مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی) ضمن ملاحظه ویژگی‌های فردی و غیرمشترک و نیز در راستای شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح اسلامی مستلزم آن است که تربیت‌یافتگان این نظام شایستگی‌های لازم برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را براساس نظام معیار اسلامی کسب نمایند.

تعلیم و تربیت اسلامی

۶ فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی است که به‌منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی

تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است

منابع

۱. اسلامی، غلامرضا و دیگران (۱۳۹۵) **راهنمای معلم هنر دوره متوسطه**، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران سهمی خاص، تهران.
۲. اولریش، دیو، بروک بانک، وین (۱۳۸۸) **شایستگی‌های منابع انسانی: شناخت تعامل افراد و کسب و کار**، ترجمه: مسعود بینش و آفشین دبیر، تهران: انتشارات سرآمد.
۳. کارت رایت، راجر (۱۳۸۷) **مدیریت استعداد: نگاهی نو به توسعه سرمایه انسانی**، ترجمه: علی محمد گودرزی و سیدجمال حسینی، تهران، انتشارات رسا.
۴. گای، ماتئو، سیمز، دوریس (۱۳۸۸) **توسعه استعدادهای آتی: راهنمای کاربردی مدیریت استعداد و برنامه‌ریزی جانشین‌پروری**، ترجمه: نسرين جزینی، تهران، انتشارات سرآمد.
۵. عالی، مرجان، تاج‌الدین، محمد، **مدیریت استعدادها**، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۹۱.
۶. محمدیان، بهرام (۱۳۹۴) **سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی**، چاپ دوم، انتشارات مدرسه، تهران.

7. Hengton, Amy, 2007 November, What's Talent Management? Talent Management FAQ-HR World Address Site: <http://hrworld.com/features/?Talent-Management-faq-112007>.

آموزشی را در برمی‌گیرد و در همه رشته‌ها حائز اهمیت است و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

• طراحی فعالیت‌های عملی برای استفاده و تقویت هوش‌های چندگانه

• تقویت جنبه‌های دیداری، شنیداری، رفتاری

• ارتقای حساسیت نسبت به پدیده‌های آفرینش

• تقویت قدرشناسی و ارج نهادن به جهان هستی و پدیده‌های موجود در آن

• تقویت تفکر و تحلیل نقادانه

• تفکر در حوزه زیبایی و شناخت زیبایی‌های طبیعت

• تقویت ارزش‌گذاری به فرهنگ و احساس نیاز به آن

• ایجاد تمایل و احساس افتخار نسبت به هویت فرهنگی

• ایجاد آمادگی در جهت حفظ هویت فرهنگی اصول اختصاصی که فقط حوزه هنر را شامل می‌شود:

• محور قرار گرفتن تربیت هنری (ارتباط با جهان آفرینش و پدیده‌های آن، زیبایی‌شناسی، معرفت نسبت به میراث فرهنگی، تفکر نقادانه هنری)

• تنظیم محتوا در جهت پرورش نگاه نو و خلاقانه به محیط پیرامون

• تلقی تربیت زیباشناختی و هنری به مثابه تربیت همگانی (سند تحول بنیادین، ۳۰۹)

• تأکید بر فراهم آوردن زمینه گرایش و تخصص هنری در تربیان (همان)

• تأکید بر فراهم‌سازی زمینه‌های کسب شایستگی رمزگذاری و رمزگشایی برای متربیان

• طراحی محتوا در جهت تقویت و پرورش جنبه‌های خلاقیت

• آموزش اصول حاکم بر یک اثر هنری

• ایجاد شناخت نسبت به ارزش میراث فرهنگی و ارج نهادن به آن

• آماده‌سازی و ایجاد شوق جهت حفظ میراث فرهنگی

• مطالعه و تفکر پیرامون زیبایی‌شناسی آثار هنری

• هم‌گامی کتاب و فعالیت‌ها با پیشرفت فناوری در عرصه هنری

• ارزشیابی غیرمستقیم از آموخته‌های دانش‌آموزان از طریق کار عملی

ب. حاکمیت رویکرد فرهنگی- تربیتی در تولید محتوا و تقویت شایستگی‌های پایه دانش‌آموزان

ج. بهره‌مندی فزون‌تر از روش‌های فعال، خلاق و تعالی‌بخش

د. بهره‌گیری از تجهیزات و فناوری‌های نوین آموزشی و تربیتی در راستای اهداف

ه. توجه بیشتر به تفاوت‌های فردی به‌ویژه هویت جنسیتی دانش‌آموزان و تفاوت‌های شهری و روستایی

راهکار ۱۶. تنوع‌بخشی در ارائه خدمات آموزشی و فرصت‌های تربیتی متناسب با مصالح جامعه، نیازها و علایق دانش‌آموزان در راستای شکوفایی

استعدادهای آن‌ها (۲ و ۳ و ۷)

راهکار ۱۷. ارتقای کیفیت فرایند تعلیم و تربیت با تکیه بر استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین

(۱ و ۲ و ۳ و ۷) (همان، ۳۴)

رویکردهای برنامه درسی هنر

هنر دارای دو بعد اصلی است. یک بعد آن فراهم‌کننده توانایی بیان افکار، احساسات، عواطف، تخیلات و تفکرات در قالب یکی از رشته‌های هنری است و بعد دیگر آن افزون شدن فرزاندگی، فرهیختگی و کمال در انسان است. همان‌گونه

که در قلمرو حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر برنامه درسی ملی آمده است رمزگشایی و رمزگذاری پدیده‌ها در قالب‌های هنری دو فرایند

کشف معنا (درک و دریافت اثر) و خلق معنا (تولید اثر) است. برای تقویت خلق معنا (تولید اثر) ضروری است که هر فرد به‌صورت عملی به

خلق اثر هنری بپردازد و با تمرین و ممارست به مهارت خود بیفزاید؛ اما برای دستیابی به کشف

معنا (درک و دریافت اثر) ضرورت اولیه تقویت حساسیت مواجهه با آثار هنری است و ممکن

است فرد الزاماً هنرمند نباشد اما به یاری هنر به فرزاندگی و کمال دست یابد. بر این اساس،

دانش‌آموز، هر رشته‌ای از علوم و فنون را که پیشه خود سازد، می‌تواند از مطالب آن در مسیر زندگی

انسانی خویش بهره‌مند شود.

اصول حاکم بر تدوین برنامه درسی هنر

اصول حاکم بر تدوین برنامه درسی هنر بر دو محور استوار است. اصول عمومی که الزامات